

گرامیداشت یاد و نام استاد
سید حسن میرخانی در گفتگویی با
استاد غلامحسین امیرخانی



یکسره تأمل در خود...

همایون علی‌آبادی

اشاره:

با مرگ سید حسین میرخانی و سید حسن میرخانی -
برادر بزرگوارش - از معلّمان تراز اول خطّ و
خوشنویسی، جامعه خوشنویسان ایران، ثلمه‌ای بزرگ
را تحمل کرد.

از سوی انجمن خوشنویسان ایران، مراسمی در
گرامیداشت یاد و نام استاد سید حسن میرخانی در
لاهیجان برگزار گردید، که با اقبال و روی‌آوری مشتاقانه
هنرمندان خوشنویس و اصحاب و دوستان هنر
رویاری گشت. در این مراسم استادان انجمن حضور
داشتند و «فصلنامه هنر» با افتخام فرصت گفتگویی با
استاد غلامحسین امیرخانی پیرامون صاحب‌عقله مجلس

یعنی مرحوم سید حسن میرخانی انجام داد که متن آن از
نظر خوانندگان عزیز می‌گذرد.
○ با توجه به تقارن مراسم گرامیداشت استاد سید حسن
میرخانی با ایّام یاد و خاطره استادانی همچون مرحوم
سید حسین میرخانی و مرحوم علی‌اکبر کاره،
شناختنامه‌ای از زندگی استاد، خوانندگان فصلنامه هنر
را تتمیم فایده خواهد بخشید.

نیست. با اینکه در امتداد مکتب کلهر و عمادالکتاب کار کرده‌اند ولی اگر کسی مختصر آشنایی با هنر خوشنویسی داشته باشد، خط سید حسن را با عمادالکتاب اشتباه نمی‌گیرد و کار ایشان کاملاً مشخص است. آقا سید حسن در صفحه پردازی، شخصیت مستقل داشته‌اند. در قالب‌بندی کلمات که ما آن را شیوه می‌نامیم، ایشان ضمن آنکه متأثر از عمادالکتاب و کلهر



است چرخش دستشان و گردش قلمشان حالت خاصی داشته است و کلمات را با طراوت و شیرینی بیشتری اجرا کرده‌اند. البته این موضوع را همین جا تفکیک کنیم که این نه به آن معناست که ارزش بیشتری در هنر خوشنویسی برای کار ایشان قایل شده باشیم. در جمع ملاحظاتی که برای ارزش‌گذاری و عیارسنجی مطرح نظر قرار می‌گیرد، باید بگویم هر کدام از اساتید بزرگ در

● تا جایی که بنده اطلاع دارم، استاد ایشان مرحوم آقا سید مرتضی برغانی، پدرشان بودند و این نکته را از خود ایشان در طی ۲۰ سال دوستی که فرصت ورخصت خدمت و مصاحبت وی را داشته‌ام، شنیده‌ام. البته قسمتی از زندگی ایشان با اواخر زندگی مرحوم عمادالکتاب تقارن داشت. و باز هم این نکته را من از خود ایشان و برادر بزرگترشان مرحوم آقا سید حسین میرخانی شنیده بودم که ایشان خطوط مرحوم عمادالکتاب را مدنظر داشته‌اند. اما به طور حضوری، بدان‌گونه که معمول هنر خوشنویسی است و شاگردان تحت تعلیم قرار می‌گیرند و به حضور اساتید می‌رسند، نبوده است. ایشان در دوره‌ای برای کار خوشنویسی از محضر پدرشان استفاده کرده‌اند و بعدها استاد، باذوق و ابتکار و پشتکار خودشان رشد کرده‌اند. بدین معنا در زندگی اجتماعیشان کمتر معاشرت داشتند و باصطلاح درونگرا و درحال تأمل در خود بوده‌اند. البته ایشان علاقه به مطالعه و کار هم داشتند. ضمناً از زندگی اجتماعی هم غافل نبودند و با طبقه هنرمند و خوشنویس و یا اساتیدی که در موسیقی و ادبیات و حتی در زمینه‌هایی که بیشتر وجود داشته، حالا هم هست، محشور بوده‌اند. از حلقه و جرگه درویش در مسلکهای مختلف از صفی‌علیشاهی تا گنابادیها و زندیه و از این قبیل، فیض بخش بوده‌اند. البته دوستانی هم داشته‌اند بکلی دور از این دسته‌بندیها.

○ آیا این روحیه درونگرایی در آثارشان هم بازتاب دارد؟

● بازتاب دارد. به این صورت که شاید بشود قسمتی از این تعبیر را در آثارشان که عمدتاً کتابهای بالرش بوده، ببینیم و آن ویژگی اینکه کارشان به کارهای پدرشان – سید مرتضی برغانی – چندان که اشتباه بشود شبیه

حدّ معینی از قلمروهای گونه‌گون خط و خوشنویسی پیشرفت کرده، سهم دارند که معدّش توانسته مکتب و شیوه ویژه شخصی را پدید آورد. تشخیص تناسب و قالب خاصی که اندازه حروف را در ذهن و چشم و دست تشخیص می‌دهد، یک گونه‌اش قلمرانی و قدرت قلم به عنوان استحکام است که هر مرحله‌ای از معیارهای امتیازگذاری محسوب می‌گردد. لطافت قلم و اینکه هنرمند تا چه اندازه توانسته با تسلط و ملاحظت و ملایمت عشق بازی کرده، زبان و قلمش با صفحه کاغذ جنگی نداشته باشد و با مهربانی و نرمش حرکت کرده و در هر حال ایجاد جاذبه خاصی کند. یک معیار است. و یا اینکه چه نقاط عطفی در کارش بیشتر مورد نظر است. از این بابت می‌توان این تقسیم‌بندی را کرد که هر کدام از اساتید در دستیابی بر یک یا چند تا از این امتیازات بیشتر توانایی نشان داده‌اند و متّصف هستند. هم اینجاست که فرق فارق بین مکاتب و شیوه‌ها پیدا می‌شود. از این بابت ایشان مستقل است و آن ملاحظت و مزه و نرمش آثار استاد سید حسن در اندازه فراتری حتی از عمادالکتاب وجود دارد.

○ ارتباط ایشان با استاد سید حسین میرخانی - برادرشان - چگونه بوده است؟

● زندگی اجتماعی و رفتاری این دو برادر هم قابل ملاحظه است که باید بررسی گردد. ما مورد دیگری را نمی‌بینیم یا دست کم بنده به خاطر ندارم که دو نفر با نسبتی سببی و نسبی در مکان معینی به عنوان دفتر کار با هم مشغول باشند. این نشان دهنده یک تربیت معنوی و اجتماعی است. این دو برادر بزرگوار سالیان سال با یکدیگر در یک آتلیه مشترکاً کار کردند و با هم مصاحبت داشتند و از افکار یکدیگر استفاده بردند و کسانی که مستقلاً با مرحوم آقا سید حسن ارتباط داشتند

در این مکانت شخصی، به دور از تراجم، همواره با برخوردی متصفانه و مهربانانه از سوی این دو برادر بزرگوار رویاروی بودند.

○ مشی و مشرب این دو بزرگ چگونه بوده، آیا سنخیت اندیشگی با یکدیگر داشتند یا نه؟

● مرحوم سید حسین آقا اجتماعی‌تر بودند ایشان با پذیرش مسؤلیت در انجمن خوشنویسان ایران در طول ۲۹ سال، موجب شدند انجمن بر یک شالوده محکمی، بافت و ساخت پیدا کند. بدون حضور بی‌واسطه و جهد بلیغ چنین بزرگانی قطعاً امکان استمرار و ممارست در کار نبود.

مرحوم سید حسین میرخانی در حوزه‌ای با صفا و صمیمیت مصدر خدمات ارزنده‌ای شده‌اند، که ما نتیجه و ثمر علمی آن را اکنون مشاهده می‌کنیم. ایشان به تربیت شاگردان زیادی، و از این میان، شمار اندکی که با شایستگی و ارزش هنر خوشنویسی دوره معاصر را پیش می‌برند، گماردند که همه دستاورد آن مداومت، پشتکار و مسؤلیت پذیری است.

اما آقا سید حسن میرخانی این حالت را نداشته و بیشتر میل داشتند فعالیتشان را در آتلیه‌ای که اوّل در خیابان ناصریه بود و بعد روبروی مسجد سپهسالار به منزل منتقل انجام دهند و دواوین شعراي تراز اول ایران که به مذاقشان بسیار سازگار بود و با آن شیوه شیرین جالب و جاذب پخته و سخخته تحریر می‌کردند و به چاپ می‌رساندند، و با قیمت‌های بسیار نازلتر از معمول آن زمان، کتابها را روانه بازار می‌کردند. و مثلاً قیمت ۲۵ تومان را بر پشت جلد کتاب ایشان نفر می‌کردند و ایشان همان کتاب را ۱۲ تومان عرضه می‌داشتند.

○ آیامی‌توان هستن استاد حسین و استاد حسن میرخانی

را نمونه و زبده زندگی خوشنویسان معاصر دانست؟ دو روحیه یکی اهل عرفان، معرفت و حلوت گزین، دیگری اجتماعی‌تر و بازتر شخصاً کدام یک از این دو نمونه را مزج می‌دارید؟

● این پرسش خیلی خوبی است از آن جهت که می‌تواند بسیاری پرسشهای ناگفته و نانوشته درباره این دو برادر بزرگوار را روشن کند. به نظر بنده در نحوه حرکت آقایان اختلاف هست اما در جوهر مسأله اختلافی نمی‌بینیم. اگر ما قائل باشیم که بازتاب هرگونه تربیت، با هر نام و روشی در اخلاق عملی و اخلاق نظری متجلی گردد، قضاوت نهایی را خیلی نزدیک به هم می‌بینیم. مرحوم آقا سید حسین میرخانی با روحیه اجتماعی - که اشاره کردم - در انجمن خوشنویسان سالهای متمادی بلکه یک عمر حضور مؤثر و تعیین کننده داشته‌اند. اخلاص عمل و برخورد صمیمانه با شاگردان همواره در رفتار ایشان ملاحظه می‌شد؛ نتیجه این حسن سلوک را بنده در اقبال مشتاقانه شاگردان بخوبی می‌دیدم. البته این ظرایف که موجب استحکام روابط، میان استاد و شاگردانشان می‌گردید ظاهراً وجود محسوس و بیرونی نداشت. شاید این پرسش بر ذهن ما غلبه کند: چرا مکتب تربیتی آقا سید حسین میرخانی با این وسعت مشرب، کیفیت استدراک و مشی از نظر شاگردان نتیجه بخش‌تر بوده است؟ توضیح بنده این است که آن حلقه مشترک را می‌توان در اینجا یافت؛ اگر آن اخلاص و اخلاق پسندیده وجود نداشت، یقیناً چنین ثمر و میوه‌ای به برو بار نمی‌نشست بدین معنا که ایشان اگر پیشرفتی در کار یکی از شاگردانشان می‌دیدند، به منابه پیشرفت شخصی، ابراز خوشحالی و شگفتگی می‌کردند و بازتاب این قضیه لطیف اخلاقی و معنوی، از رفتار و گفتار و عملکرد ایشان کاملاً احساس می‌شد و همین موجب شکوفایی و تحوّل عمیق و چشمگیر

شاگردانشان می‌گردید.

شاید از این احوالات، دیگر استادان بدین حدّ عالی بهره‌مند نباشند، درحالی که از نظر کیفیت هنری در سطحی برابر یا نابرابر قرار گیرند. به هر حال می‌خواهم نتیجه بگیرم که آن احوالات موجب این همه تأثیر و تقویت شده و مرحوم آقا سید حسن در مشرب خودشان به کمالات و خصال نیکوی واصل می‌گردند که ما بازتابش را در آثار استاد سید حسین هم می‌بینیم. البته به قوت و اندازه‌ای که در وسع ایشان بود. ایشان چندین کتاب مهم و جزوه‌های متعددی، کتابت کرده، منتشر نموده‌اند. مع‌هذا در بررسی آثار و رفتار این دو بزرگوار ظاهراً دو نوع گرایش و نتیجه دیده می‌شود اما اینها حاصل یک تربیت و یک گوهر بوده است.

○ در هر حال نقش آقا سید حسین میرخانی در تکوین انجمن خوشنویسان ایران انکار ناشدنی است. با این تذکار که در خویش نشستن با در خویش شکستن فرق فارق و فاحش دارد.

● یقیناً نقش آقا سید حسین میرخانی تعیین کننده و قوی‌تر بوده است. چون در شروع یک حرکت فرهنگی و هنری قرار داشته‌اند و توانسته‌اند نیروها را جذب کرده، در جهت بهره‌برداری و کشف قابلیت‌های نو در مسیر این هنر دیرینه طیّ عمر کنند که فرآورده و محصولش در طول تاریخ از میرعماد تا آقا سید حسن مشهود است. جایگاه استاد سید حسین میرخانی در تأسیس و پی‌ریزی شالوده‌های انجمن - آن هم در شرایط حسّاس و دشواری که ایران در ۴۰ سال پیش گذراند - بسیار مفید و مؤثر بوده است.

در چهل و اندی سال پیش اساتید شاگردان انگشت شمار خود را به طور خصوصی تعلیم می‌دادند. آقا سید حسن هم در منزل پذیرای شاگردان برجسته و خاص



بودند. اما مقصود من بررسی آن برنامه‌ای است که به عنوان انجمن خوشنویسان ایران در جذب ذوق و قریحه جوانان نقش قوی‌تر داشته است. حال اینکه روحیه هر کدام از این آقایان یا دیگر اساتید در اعتلای هنر خوشنویسی چگونه بوده و چگونه خود را با شرایط تطبیق داده، و تا چه حد به مقتضیات زمان پایبند بوده‌اند، قابل بررسی و تقدیر است.

اشاره‌ای فرمودید به اینکه استاد حسن میرخانی به سلك و جرگه درویش هم تعلق خاطری داشتند. در این باب توضیح بیشتری بفرمایید.

● به نظر من خط و خوشنویسی، اصولاً رابطه قوی‌تر و مستقیم‌تری با این مکاتبی که البته به ظاهر مشخصات متعدّد و گوناگون دارند، برقرار کرده است. انجای تربیت خط و خوشنویسی در قدم اول با این‌گونه مشربها برخورد مستقیم دارد، به گونه‌ای که خوشنویسی کلاسیک و سنتی ایران از متن همین گرایشها برگزیده و بالیده است. فی الحال نکته‌ای بگویم، و آن اینکه شاید بگویید مرحوم آقا سید حسن در تکوین انجمن، نقشی نداشته است. اصولاً این طور نیست. ایشان در حدود ۱۰ یا ۱۱ ساعت، به اصرار شاگردان و علاقه‌مندان و همین طور توصیه مرحوم آقا سید حسین میرخانی تدریس داشته‌اند. ایشان در انجمن خوشنویسان ایران شاگردان بسیار خوبی تربیت کردند که نسبت به مدّت خدمت، محصول کارشان فوق‌العاده درخشان بوده است و این هم یکی دیگر از موارد ارزشمند زندگی ایشان است. استاد عبدالله فرادی به عنوان شاگرد و پیش‌کسوت بسیار باارزش ایشان، نمونه خوبی محسوب می‌شوند. بعد از ایشان آقایان کابلی و مشعشی و نیز آقای جلیل رسولی هنرمند ارزشمند معاصر که از شاگردان استاد سید حسن هستند و در انجمن

خوشنویسان در کلاس اختصاصی ایشان شرکت می‌کردند و بعدها در رشته مورد علاقه‌شان یعنی خط - نقاشی با رفتاری خاص شیوه‌ای مستقل را پی‌ریختند. مقصودم تربیت اولیه آموزش میانی است که استاد سید حسن میرخانی در این مورد هم کارشان فوق‌العاده ارزشمند بوده است.

